



احمد طالبی نژاد؛ منتقد سینما در باره آخرین اثر نیما جاویدی «سرخ پوست» یک فیلم شبه هالیوودی است



با نگاهی ساده به وضعیت فروش فیلم‌ها در یکی دو سال اخیر می‌توان بیشتر از قبل متوجه تغییر نسبی ذائقه مخاطب شد؛ این که مخاطب با چرخش سلیقه‌ای به فیلم‌های اجتماعی خوب به سینمای جدی و اجتماعی تمایل بیشتری نشان داده است. پس از فروش خوب فیلم «متری شیش و نیم» نوبت به «سرخ پوست» و «شبی که ماه کامل شد» رسید که مردم را به سینما بکشاند. فیلم «سرخ پوست» چه در زمان اکران جشنواره و چه در زمان اکران عمومی، بیشتر از فیلم‌های اجتماعی دیگر مورد اقبال قرار گرفت و منتقدان نظر مثبتی به این فیلم داشتند و همین مسئله باعث شد که این فیلم در تبلیغات دهان به دهان بین مخاطبان هم موفق عمل کند. اما در میان نظر منتقدان، وضع شکل دیگری است بعضی «سرخ پوست» را خیلی دوست دارند و بعضی اصلاً دوست ندارند و معتقدند برای این فیلم سروصدایی بی‌جهت راه افتاده که لایق آن نیست در میان این طرفداران صفر و صدی احمد طالبی نژاد گزینه بی‌طرف و منطقی است که سراغ او رفتیم و گپی اجمالی درباره همین اختلاف نظرها پیرامون «سرخ پوست» زدیم.

تاثیر تبلیغات، فیلمی را دیدند باید راضی از سالن بیرون ببینند وقتی از فیلم راضی باشند برای دیگران تبلیغ می‌کنند که ببینند یا نبینند و اگر این تبلیغات دهان به دهان به نفع سینما صورت بگیرد چرا که نه؟!

آیا می‌توان نقطه عطف اصلی فیلم را بازی باز بگردان آن دانست؟

به نظرم همه خوب ظاهر شدند، نوید محمدزاده که کم‌کم داشت به نقش‌های تکراری می‌رسید، نقش رئیس زندان را بسیار خوب بازی کرد و با وجود جثه کوچکی که دارد در این قالب بسیار باعظمت ظاهر شد و به‌نظم نقش آفرینی خوبی کرد. پریناز ایزدیار با وجود تلاش بسیار، شاید بتوان گفت نقشی که ایفاگرش بوده جابرای مانور نداشته اما در مجموع همه خوب هستند؛ آتیلا و ستاره پسیانی، مانی حقیقی و... همه چیز خوب است به طوری که وقتی مخاطب از سالن سینما بیرون می‌آید از فیلمی که دیده راضی است.

نقطه تعلیق فیلم چقدر توانست خود شما را برای دیدن ادامه فیلم تشنه نگه دارد؟

خیلی امیدوار نبودم که تماشاگر طاقت دیدن فیلم را تا آخر داشته باشد اما نکته فقط تعلیق دراماتیک نیست که مخاطب را منتظر می‌گذارد بلکه مجموعه خوب آدم را کنجکاو می‌کند که به کجا می‌رسند و به نظرم فیلم، فیلم نامیدکننده‌ای نیست.

به لحاظ مضمونی شما «سرخ پوست» را فیلمی اخلاقی می‌دانید؟

واقعیت این است که بحث اخلاق مداری و تعهد اخلاقی را هم مطرح می‌کند اما همه فیلم این نیست. پیام‌های اخلاقی و اجتماعی و از این قبیل بحث‌ها جایش در سینما نیست، شاید تلویزیون جای بهتری باشد و سینما نباید صرفاً دنبال پیام‌آوری برای مخاطب باشد. پیام باید در جلد کار باشد، به تعبیر ادبیات یک قرن گذشته داستان همان پیام شماسست. اگر بتوانیم یک داستان خود را بگوییم، خودبه‌خود پیام هم داده‌ایم یعنی حتماً در آن داستان پیامی وجود دارد که هر کسی به زعم خود پیام مورد نظرش را پیدا می‌کند. در «سرخ پوست» از جهتی می‌شود خیلی نکات را پیدا کرد ولی نباید دنبال یک پیام واحد بود، چون فیلم داستانی می‌گوید و داستان جذابی هم هست و فقط به دنبال نتیجه اخلاقی نمی‌گردد که اخلاق هم یکی از همان چرخ‌دنده‌هایی است که ابتدای گفت‌وگو درباره‌اش حرف زدیم.

می‌دهم برای این که ایده مطرح شده در این فیلم، ایده نزدیک‌تر و قابل درک‌تر است. شاید دلیل عدم نزدیکی هم بعد زمانی واقع به ماست این که به هر حال فضای فیلم در دوره پهلوی اول و دوم اتفاق می‌افتد و کمی دورتر از ما به نظر می‌رسد. همه این‌ها حرف‌های حاشیه‌ای است و در کل این فیلم می‌تواند متقاعدکننده باشد.

یعنی به لحاظ کارگردانی او را می‌توان به سبب ساخت «سرخ پوست» تحسین کرد؟

من هیچ شناختی در مورد نیما جاویدی ندارم و نمی‌دانم قبل از این که فیلم بلندی ساخته باشد چه کرده، اما این فیلم، اثر قابل توجهی است. فیلمی است که تماشاگر عادی خوشش می‌آید و تماشاگر کمی نخبه‌گرا هم بدش نیامده است، اما اشکالات منطقی هم دارم نه به بازیگری، بلکه به فضای فیلم نسبت به حضور خانم مددکار در بازداشتگاه و زندان که با فرهنگ ما همخوانی ندارد. این موضوع را در هیچ دوره‌ای ندیده‌ایم حتی در دوره پهلوی‌ها هم ندیده‌ایم. این ایده بیشتر به الگوی فیلم‌های فرار از زندان آمریکایی برمی‌گردد و شاید یک نوع الهام گرفتن از فیلم خارجی در یک فیلم ایرانی باشد.

گاهی هجمه‌ای برای برخی فیلم‌ها پیش می‌آید که منتقدان را برای طرفداری از یک فیلم سوق می‌دهد و به نظر می‌رسد به نوعی پروپاگاندا تبلیغاتی یک فیلم را به عهده می‌گیرند. «سرخ پوست» مورد توجه منتقدان قرار گرفت، به نظر شما چقدر این توجه در دیده شدن فیلم توسط مخاطب عام تاثیر داشت؟

انتقادها و اظهار نظرهایی که در مورد فیلم شد بی‌تاثیر نبود، وقتی مردم می‌خوانند و متوجه می‌شوند، یک نوع تفاهم عمومی راجع به فیلم وجود دارد که خوب است یا بد، تصمیم می‌گیرند ببینند یا نبینند. به هر حال تماشاگرانی که تحت

فیلم خوب لزوماً همه چرخ‌دنده‌هایشان خوب کار می‌کنند؛ فیلمنامه، کارگردانی، بازیگری، طراحی صحنه و... خوب است یا اگر در یکی دو مورد اصلی درخشش داشته باشند هم می‌توان به آن فیلم خوب گفت؟

اگر همه عناصر یک فیلم اعم از کارگردانی طراحی صحنه و لباس و... سر جایشان باشند به آن فیلم می‌توان یک فیلم خوب اطلاق کرد. واقعیت این است که موضوع هم اهمیت دارد اما گاهی وقت‌ها می‌شود راجع به موضوعات خیلی ساده، فیلم‌های درجه یک ساخت؛ کاری که مرحوم کیارستمی می‌کرد همین بود. موضوع فیلم‌های کیارستمی موضوعات خیلی ساده‌ای بودند اما رفتاری که کیارستمی با این سوره‌ها می‌کرد آن‌ها را تبدیل به فیلم‌های خوب یا گاهی اوقات شاهکار می‌کرد.

نقدی هست به فیلم «سرخ پوست» که حساسین معززی نیا هم به آن اشاره کرد این که این فیلم یک ایده خوبی بوده که حرام شده، این نقد را شما هم قبول دارید و به نسبت تجربه قبلی این فیلم نیما جاویدی تغییر محسوسی داشته است؟

مسئله‌ای در مورد هر فیلم‌ساز جوانی صدق می‌کند این است که ما نمی‌توانیم مبنای بر اساس یکی دو فیلم بگذاریم و قضاوت کلی کنیم. «ملبورن» فیلم اول نیما جاویدی از نظر فرم، گرایش و دیدگاه، هیچ ربطی به این فیلم یعنی «سرخ پوست» نداشت و ندارد برای این که فیلم قبلی کمی تجربی بود و تمام فیلم در یک فضای بسته اتفاق می‌افتاد و موضوعی وحشتناک را مطرح می‌کرد اما فیلم «سرخ پوست» یک فیلم شبه‌هالیوودی است؛ از نظر پرداخت، بازیگری و فضا سازی و... یعنی فیلم استاندارد دی در حد و اندازه سینمای ایران دارد. اما فیلم «ملبورن» را به «سرخ پوست» ترجیح

گروه سینما



من هیچ شناختی در مورد نیما جاویدی ندارم و نمی‌دانم قبل از این که فیلم بلندی ساخته باشد چه کرده، اما این فیلم، اثر قابل توجهی است. فیلمی است که تماشاگر عادی خوشش می‌آید و تماشاگر کمی نخبه‌گرا هم بدش نیامده است

